

## درنگی در

# مثنوی ملاصدرا

علی اصغر حق‌دار

و کشف حقایق و علم حضوری نایل آمد.<sup>(۱)</sup>  
 آوازه شهرت آخوند، کم‌کم عالم‌گیر شده و به دنبال تأسیس  
 مدرسه خان در شیراز و درخواست والی فارس، ملاصدرا به  
 وطن خود بازگشت و در مرحله سوم زندگی اش تا پایان عمر به  
 تعلیم و تدریس افکار و یافته‌های متعالیه خود اشتغال ورزید.  
 ملاصدرا در طول عمر هفتاد ساله خود موفق به تألیف  
 کتاب‌های ارزنده‌ای در حکمت و فلسفه شده و شاگردان  
 نامداری هم چون فیض کاشانی و فیاض لاهیجی  
 و حسین تنکابنی و ... را تربیت نمود و در سال  
 ۱۰۵ ق در بازگشت از هفتمین سفر خانه خدا در  
 بصره به جوار حق تعالی شتافت.<sup>(۲)</sup>

ملاصدرا بر پایه افکار فلاسفه و عرفای پیش  
 از خویش و براساس تعالیم دینی که در آیات  
 الهی و روایات پیغمبر اکرم (ص) و ائمه  
 اطهار (ع) آمده بود، موفق به پی‌ریزی مکتب  
 فلسفی خود شده و آن را در مقابل نحله‌های فلسفی پیشین  
 «حکمت متعالیه» نامید. استاد سید جلال‌الدین آشتیانی درباره  
 فلسفه ملاصدرا می‌نویسد:

«قبل از ملاصدرا بین متصدیان معرفت حقایق و محققان از  
 اهل افکار و انظار و آرا و متخصصان در علوم حقیقیه از عرفا

مثنوی ملاصدرا. به کوشش مصطفی فیضی. چاپ اول: قم، کتابخانه  
 آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۶. ۲۱۶ ص، وزیری.

محمد بن ابراهیم شیرازی، ملقب به صدرالمتألهین و مشهور  
 به ملاصدرا، در حدود سال ۹۷۹ یا ۹۸۰ ق در شیراز دیده به جهان  
 گشود. وی به واسطه استعداد فوق‌العاده‌ای که از  
 او ان کودکی داشت، از تحصیل و تعلیم شایسته‌ای  
 برخوردار شد و بعد از طی مراحل مقدماتی برای  
 تکمیل تحصیلات خود عازم اصفهان گردید.

صدرالدین در اصفهان، نخست نزد شیخ  
 بهاء‌الدین عاملی (شیخ بهائی) به تحصیل علوم  
 نقلی پرداخت تا به حدی که به کسب اجازه  
 و درجه اجتهاد نایل گشت. سپس به شاگردی

میرداماد درآمد و رموز حکمت را در طی سالیانی در محضر وی  
 آموخت. وی بعد از تکمیل تحصیلات خود در علوم صوری  
 و در اثر تعلیمات عرفانی و مخالفت عده‌ای از علمای ظاهرین  
 ناچار شد اصفهان را ترک کند و برای تزکیه نفس و سیر  
 و سلوک به قریه «کهک» در نزدیکی قم پناه برد.

دوران خلوت‌گزینی و سلوک معنوی صدرالمتألهین هفت  
 سال و بنابه قولی پانزده سال به طول کشید و بالاخره به شهود



۱. اسفار اربعه، ج ۱، ص ۸.

۲. مقدمه دکتر سید حسین نصر بر رساله سه اصل ملاصدرا، ص ۶.

اصالت یکی از دو حیثیت به معنای تحقق خارجی آن و اعتباریت دیگری که نسبت واقعیت خارجی به آن عرضی باشد، برای اولین بار توسط میرداماد مطرح شد و به واسطه انگاره‌های اشراقی، وی قائل به اصالت ماهیت و اعتباریت وجود شد. ملاصدرا در ابتدای تحصیل خود پیرو استاد بوده، ولی در سیر تکامل علمی خویش قائل به اصالت وجود شده و آن را بر پایه دلایل محکمی به اثبات رسانید.<sup>(۲)</sup>

قبل از ملاصدرا مسئله به شکل ابتدایی ذیل زیادت‌ی وجود بر ماهیت در خارج مطرح بود که نظر عده‌ای از مشایبان بوده و ایرادات شیخ اشراق بر اصالت وجود - به آن معنا که از زیادت‌ی در خارج مورد نظر بود - ناظر به توالی فاسده قائل به زیادت‌ی بوده و اصالت یکی از دو حیثیت (وجود، ماهیت) که از زمان صدرالمتألهین مورد بحث واقع شده، در آن زمان مطرح نبوده است. صدرالمتألهین در بیان نظریه خود گوید: «وجود سزاوارترین چیزی است به تحقق در خارج؛ زیرا ماسوای وجود به سبب وجود متحقق و موجود در اعیان و در اذهان است. پس اوست که به وسیله او هر صاحب حقیقتی به حقیقت خویش می‌رسد، پس چگونه وجود امری اعتباری است چنان که آنان که از مشاهده وجود محجوب مانده‌اند چنین تصور کرده‌اند. و نیز به این علت که وجود، معمول بالذات است نه آن چه که به نام ماهیت نامیده می‌شود».<sup>(۳)</sup>

وی سپس براهینی را در اصالت وجود و اعتباریت ماهیت تقریر می‌کند که بعضی از آن‌ها تأسیسی بوده و برخی دیگر حلی.<sup>(۴)</sup>

با اثبات اصالت وجود که سنگ بنای افکار ملاصدرا به شمار می‌رود و به همین خاطر در میان بعضی از اندیشه‌مندان، حکمت متعالیه به فلسفه وجودی نامیده می‌شود، مسئله تشکیک در وجودات<sup>(۵)</sup> به صورت جدیدی طرح و حل شده و بحث از تقسیم وجود به رابط و محمولی<sup>(۶)</sup>، واجب و ممکن<sup>(۷)</sup>، قوه

و مشایخ صوفیه، و فلاسفه مشا و اشراق، اختلاف نظر عمیق وجود داشت و هر یک از این فرق به اثبات طریقه خود و نفی ممشای دیگران می‌پرداخت... ملاصدرا به واسطه غور در کتب فلسفی، اعم از اشراقی و مشایی، و تدرّب در علوم اهل کشف و احاطه بر مآثورات وارده در شریعت حقّه محمدیه و سیر کامل در افکار افلاطونیان جدید و قدیم و بالجمله اطلاع کافی از جمیع مشارب و افکار، خود مؤسس طریقه‌ای شد که بر جمع مشارب و مآرب فلسفی ترجیح دارد. افکار عمیق شیخ الرئیس و سایر اتباع مشا و آرای افلاطونیان جدید و تحقیقات عمیق و ژرف متصوّفه، آرا و افکار حکمای اشراقی و رواقی در کتب تحقیقی او هضم شده است و سعه افکار و تحقیقات او همه را فرا گرفته...»<sup>(۱)</sup>

بنابراین، منابع و مآخذ افکار آخوند را می‌توان در چهار مبدأ اساسی جست و جو کرد:

۱- فلسفه مشا، به خصوص افکار ابن سینا (۳۷۰-۴۲۸ هـ) که به صورت ترکیبی از فلسفه یونان و آرای نو افلاطونی در میان اندیشه‌مندان مسلمان منشأ فلسفه مشایی اسلامی را تشکیل می‌داد.

۲- حکمت اشراق که در قرن ششم به دست شیخ شهاب‌الدین سهروردی (۵۴۹-۵۸۷ هـ) با انتقاد از فلسفه مشا و بر پایه اندیشه‌های فلسفی حکمای ایران باستان به وجود آمده بود.

۳- مکتب عرفانی محیی‌الدین عربی (۵۶۰-۶۳۸ هـ) که در بردارنده جنبه‌های نظری یافته‌های شهودی بوده و شکل تکامل یافته‌ای از تصوّف را عرضه داشته بود.

۴- تعالیم اسلام که در منابع دینی به آن‌ها اشاره شده و در حقیقت اساس حکمت را در میان مسلمانان تشکیل می‌دادند.

ملاصدرا بعد از کاوش در افکار فلسفی پیشینیان، اساس «حکمت متعالیه» را در دو اصل محوری و مبنایی بنیان کرد که اهم آن‌ها عبارت‌اند از:

۱- اصالت وجود: هر چیز واقعیت‌داری به تحلیل ذهنی دارای دو حیثیت بوده که از آن‌ها به وجود و ماهیت تعبیر شده است. حیثیت وجودی وجه مشترک اشیا را تشکیل داده و حیثیت ماهوی سبب تمایز شیء‌ای از شیء دیگر بوده و غیر از حیثیت وجودی است. در میان فلاسفه توجّه به دوران امر بین

۱. مقدمه استاد آشتیانی بر «الشواهد الزبویة»، ملاصدرا، ص هفده و یک.
۲. رسالة المشاعر (با شرح لاهیجی)، ص ۱۴۶.
۳. الشواهد الزبویة، ص ۶.
۴. رلك: اسفار اربعه، ج ۱؛ رسالة المشاعر، ص ۴۸ و دیگر کتب ملاصدرا.
۵. هستی از نظر فلسفه و عرفان، سید جلال‌الدین آشتیانی، ص ۱۳۴.
۶. اسفار اربعه، ج ۱، ص ۳۲۷.
۷. همان مأخذ، ص ۸۳.



مصحح به استناد اشعار فیض کاشانی مکان فوت ملاصدرا را بر خلاف مشهور، شهر نجف اشرف اعلام داشته است. خاندان ملاصدرا و بزرگان علمی این خاندان علم و دانش تا زمان معاصر، از مطالب تاریخی مهم در این مقدمه به شمار می‌روند که به این شکل مرتب و منظم در نوشته دیگری مندرج نبوده است و از مزایای چاپ جدید مثنوی ملاصدرا است.

مجموعه اشعار ملاصدرا در قالب مثنوی بیانگر مباحث و مسائلی درباره چگونگی آفرینش و نعت پیامبر و ائمه، سیر و سلوک معنوی و مذمت اهل ریا می‌باشد. در قسمت دیگری از اشعار، ملاصدرا اندیشه‌های فلسفی و اعتقادات دینی خویش را درخصوص علم الهی، علم مکاشفه‌ای، عالم ارواح و غایت ایجاد اشیا، که از مباحث اصلی الهیات عقلانی به شمار می‌روند، به شکل منظوم بیان داشته است. وصف نفس ناطقه و قوای نفسانی، و قیامت و حشر آخرت که مسائلی از فرجام‌شناسی فلسفی در حکمت متعالیه صدرالمتألهین محسوب می‌شوند، ابیاتی از اشعار را شامل می‌شوند.

ملاصدرا با بیان اهل کشف و اوصاف آنان مثنوی خود را ختم نموده و به سبک حکمای الهی نظیر ابن سینا و شیخ اشراق، طریق فلسفی را توأم با سلوک عرفانی ساخته و هر کدام از اینان را بدون دیگری ناقص دانسته است.

و فعل، اثبات حرکت جوهری<sup>(۱)</sup> و مبحث علت و معلول و سنخیت آن‌ها<sup>(۲)</sup> در امور عامه و اتیت صرفه حق تعالی<sup>(۳)</sup> و وحدت حقیقه حق<sup>(۴)</sup> در الهیات خاصی و هم‌چنین معاد جسمانی<sup>(۵)</sup> و تجرد خیال به نحوه ابتکاری<sup>(۶)</sup> در علم النفس فلسفی چهره تازه‌ای به خود گرفته‌اند.

**۲- حرکت جوهری:** فلاسفه قبل از ملاصدرا حرکت را در چهار مقوله عرضی کم، کیف، وضع و این قائل بودند و به واسطه اشکالی که از ناحیه موضوع حرکت متوجه آرای آنان بوده، حرکت در مقوله جوهر را منکر شده بودند. صدرالمتألهین براساس تقسیم موجود از حیث این که موجود است به وجود ثابت و وجود سیال، حرکت را از خواص موجودات جسمانی دانسته و حرکت مقولات عرضی را نیز از حرکت در جوهر ناشی دانست، همان طور که عرض از لحاظ وجودی همه وابسته به جوهر است.<sup>(۷)</sup>

از دیگر ابتکارات صدرالمتألهین می‌توان مسائل زیر را نام برد:

۱- اتحاد عاقل و معقول

۲- اثبات تجرد برزخی قوه خیال

۳- اقامه برهان بر معاد جسمانی

۴- ثبوت جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء بودن نفس

ملاصدرا در کنار تألیف و نگارش آثار مهم در فلسفه اسلامی چون «اسفار اربعه»، «شواهد الربوبیه»، «المبدأ و المعاد» و «شرح هدایة الاثیریة» به تنظیم مطالب ذوقی نیز عنایت داشته و مجموعه‌ای از اشعار خویش را با مضامین عرفانی و حکمی برای طالبان علوم فلسفی به یادگار گذاشته است. رباعیات ملاصدرا چندین سال پیش به همت سید حسین نصر به همراه رساله سه اصل به چاپ رسیده<sup>(۸)</sup> و اکنون با تلاش و سعی جناب آقای فیضی کاشانی از نواده‌های دختری ملاصدرا، مثنوی ملاصدرا در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

چاپ جدید مثنوی ملاصدرا از یک مقدمه مفصل (مصحح) و حدود ۲۱۵۰ بیت تشکیل شده است. مصحح در مقدمه خود، مطالبی در بیان زندگی ملاصدرا و نحوه تحصیل و تدریس وی به استناد آثار تاریخی و رجالی فراهم آورده است. در بخش دیگری از مقدمه، افکار ملاصدرا در خصوص معاد جسمانی، حرکت جوهری و مسائل دیگر فلسفی شرح شده و در پایان

۱. همان مأخذ، ج ۳، ص ۲ و ۶۱.

۲. همان مأخذ، ج ۲، ص ۲۷.

۳. اسفار اربعه، ج ۶، ص ۴۸.

۴. هستی از نظر فلسفه و عرفان، ص ۲۲۷.

۵. شرح بر زاد المسافر، سید جلال‌الدین آشتیانی.

۶. الشواهد الربوبیه، ص ۱۹۷.

۷. اسفار اربعه، ج ۳، ص ۶۱.

۸. رساله سه اصل به انضمام منتخب مثنوی و رباعیات، صدرالدین شیرازی، به اهتمام حسین نصر، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱ ش.